

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سیدموسی عثمان هستی

۲۲ فبروری ۲۰۱۵

پیرشده ام ، اما عقلم را از دست نداده ام.

تودیدی پیران دانش رانکردند احترام نباید توقع کرد از مردم لاوبالی بدنام
نشستیم گوش دادیم به حرفهای استاد به من گفت نگهدار خود ز انسان خام

شاعریوزن و ترازو

یکساعت قبل از این نوشته، ای میل مردسست خردِ ضعیف العقل را خواندم اگر نام ببرم سائیتی میگوید که ما در سایت خود نوشته کنایه آمیز بی عرقچین را که زبانش حجاب ادب نداشته باشد، به نشر نمی رسانیم سایت دیگری می گوید حرف خود را بگونه نام از لالو و پنجو نبر. به توجه که در کدام باند قاجاق، در مافیای مواد مخدر، در مافیای دزدی و اختطاف، در مافیای فساد اداری و اختلاس و با این و یا آن روابط خوب و بد دارد به تو آقای نویسنده چه ارتباط دارد تو چکاره هستی؟ مملکت ع و غ (عغ) دارد نشنیدی که بزرگان گفته اند امور مملکت خویش خسروان دانند تو خود را ناف زمین و آسمان نساز. در حالی که کله تو کمتر از یک نخت کورک پوچک بیش نیست حرفهایی که می زنی بزرگتر از کوه هندوکش است حرفهای خود را مطابق دهن خود بزنی، پاز گلیم چرک خود دراز نکن که پای تو گلوی دیگران را فشار بدهد.

سیاسی نوشته نکن. طنزنکو. هجونکن. از هزل خوداری کن. اگر نوشته کنی «شمشکی من الله دلبرک من- خبرنداری چوچه جان از دلک من» که نه سیخ می سوزد نه کباب، ما بایبشانی کشاده به نشر می رسانیم هم تو خوش هم ما خوش هم خواننده قلم و سایت ما خوش. مانمی خواهیم که به ما و نویسنده در دسر خلق شود این پالیسی ماست اگر سرتوبوی قورمه می دهد از داعش ، طالب ، القاعده و از دیگر شورشیان نام ببر. درجایید ویاسایت های انترنتی که بادستگاه های جاسوسی ارتباط دارند بنویس تابدانی یک نان چند فتیراست آن وقت هوشیار خواهی شد که تنبان توبه سرتوبسته شود. در سنی که رسیدی آهسته بخور، کم کم بخور که عارق (سوزان) نرنی. بویید دهن تو باعث اذیت دیگران نشود .

پیرشده می رنشدی. ناقص العقل گشتی. فرق نام هارا کرده نمی توانی دوست و دشمن را فرق کرده نمی توانی. گفته اند از جوانی تا پیری، از پیری تا بکی؟ بهتر است قناعت به دوشاب خود کنی. مانند موش پایت به خاطر قروت بر تلک لرزان نخورد حادثه را قبل از وقوع با تدبیر رفع کن که از مصیبت دور بمانی به نام آدم خوب و بی ضرر از دنیا بیخبر

سر قبر تو ملا(دعا) بخواند وبگوید خدا بیامرزد این متوفی را که چشمش کورو گوشش کربود، ازدنیانفرت داشت ، شب ها زنده داری به خاطر آخرت کرداگر معنی وتفسیر قرآن می دانست یا نمی دانست باتجوید آشنا بودیانبود بدست پاک وناپاک قرآن برداشت وخواند که ازقرآن و آخرت دورنماند این بهتر است یا درنوشته های خودازاین وآن نام ببری، سایت ناشر را به جنجال اندازی وخوددرغوندی خیرنشینی .مرا ازخیر توامیدی نیست شرمسان! ازگرفتن نام این وآن خوداری کن! تا نه درت را به سنگ بزنند. نه به خود دردسرخلق کنه به ما ونشرات ، این دنیا به یک توت شفتتر نمی ارزد. دست به دامن تصوف بزنیذ خر مسافربفروشید ودرخانقاه نان پخته کنیذ بخورید وبه دیگر تنبلان خانقاه بدهید و در ذکرخود بگوئیذخربرد و به یاد مولانای بلخ دعاکن.

دوست ناشناخته عزیز، پیرشده ام اما عقلم را از دست نداده ام.

نام ها اگر درحافظه من گد ود شود مراببخشید شاید درپیری سرفه زیادشود حافظه دچارضعف وناتوانی گردد، درپهلوی این ضعف ها خودخواهی ها قوت گیرد. سرللو وینجو هم فکر نکند. آدم بزدل هم درپیری دلاوری شوده این معنی نیست که عقلش کار نمی کند آدم بی عقل و بی ترس است .

باز از سوال شما دورشدم بلی سه نفر رامن می شناسم که«دهقان» تخلص می کردند این که کی قبل ازکی پیش تخلص دهقان انتخاب کرده وکی تخلص دهقانرا دزدی کرده و کی مطالعه نداشته که این تخلص ادبی مربوط کدام شاعر و نویسنده بوده وچرا این نزاکت هامدنظرگرفته نشده تخلص شاعر و نویسنده رابه خوداختصاص داده و یا فهمیده گفته من ازکی کم هستم که دهقان تخلص نکنم چون دروطن مانزاکت ها و روش های ادبی فرهنگی وکلچری فضل خدا اکثر مردم مد نظرنگرفته وقتی که درنوشته اشتباه رخ می دهد یکی به جای دیگری ناخود آگاه گرفته می شود عوضی که خواننده فکر کند اشتباه فکری ، قلمی و چاپی رخ داده به خاطری که ا ورا دانشمند بگویند از مگس فیل ساخته، بالایش سوار می شوندبخارا را بی دوربین می بینند

۱- زنده یاد سناتورسید محمد دهقان بدخشی که سناتوربدخشان بود و بانور استالی درقالین فروشی شریک بود در دکان نورمی نشست. طاهربدخشی درخانه ویزندگی می کرد. خانه سیدمحمددهقان جای نشست و برخاست یک تعدادمشروطه خواهان بود. در زمان «ناشر» که خان آباد قبل از بغلان مرکز ولایت قطغن بود بدخشان هم ازنگاه مطبوعاتی جزء ولایت قطغن بود و یک روزنامه به نام اتحاد درخان آباد به نشرمی رسید وشیرخان ناشرخروتی نایب الحکومه قطغن بود بانوشته و قلم محبت داشت نویسندگان شعراء و دانشمندانرا دورخود جمع کرده بود سید محمد دهقان از بدخشان مشهوربه سناتوردهقان باعارف چاه آبی شاعر و نویسنده خطاط چیره دست، جمشیدشعله پسرابسقال فیض الله برادرعلم خان مدیرمعارف مؤرخ ، نویسنده شاعر، محمدعلی چوپان پسر میرعلی اکبر محمدزائی نویسنده وطنزنویس شوخ مزاج ، مژده پنجشیری شاعرنویسنده ودیگران درخان آباد دورهم جمع شده بودند تازمانی که شیرخان نایب الحکومه قطغن بود آنها همنشین شیرخان ناشر بودند باجرات می گفتند وباجرات می نوشتند.

۲- سروردهقان شاعرونویسنده چیره دست اصلاً از مزارشریف (بلخ) بوده درچهاردهی کابل به دنیا آمد . اول درسرای غزنی زندگی می کرد دفترداری را رها کرد تجارت پیشه نمود بعدهم کسب وکار را رهانموده خانه نشین شد دنیای مادی رابه پشت پازده صوفی شده به تصوف روی آورد. اشعارتصوفی نوشت درآخر عمر درکارته چهارزندگی میکرددرسال(۱۳۵۴) فوت کرد.پهلوی مولوی صاحب گلخانه (پادشاه) دفن شد

۳- محمدابراهیم دهقان که مأمورپروژه آبیاری پروان بود اصلاً از مشرقی است سالها در پروان مأموریت داشته و عضو «حزب دموکراتیک خلق» جناح خلق بود. بعد از کودتای ثوردومرتبه والی پروان بود.دهقان تخلص می کرد.

۴ - تمام کشاورزان وطن مارا به نام دهقان و کشاورز یاد می کردند و یاد میکنند مثلاً کلبی دهقان ، شیرک دهقان ، کاکاشیروی دهقان ، میرکی دهقان و غیره

اگر این نام هابه جای یکدیگر اشتباه گرفته می شود یا در چاپ اشتباه رخ می دهد یا ویراستار متردد می شود چیزی که در فکرش گشته نوشته نویسنده را تصحیح می کند. سهواً اشتباه می کند نباید یخن نویسنده را گرفت بایدخواننده با خود بگوید یا نویسنده موضوع یاهیأت تحریرسایت ، جریده، یامجله اشتباه کرده یاویراستار ادبی عوض این که به آنجائی یکم مقاله ویانقد به نشر رسیده درست آن را بنویسد تا دوباره اصلاح شود بعضی کسان مثل من حوصله ندارند که نوشته خود را دوباره بخوانند تا متوجه اشتباه خود شوند و فکر کنند که نوشته نویسنده خط قرآن نیست که آن را به چماق قلم نقد بست

خواننده بیمغز به خاطرنام کشیدن خود نویسنده را به چهار کتاب کافر می سازد. به این وآن تیلفون می زند. ایمیل می کنید. در فیسبوک می نویسد. عکس خود را می گذارد که در فلان فیل شمشیر دانش زده ، می نویسد که نام سید محمد دهقان به جای سرور دهقان نوشته یا نام ابراهیم دهقان یا نام کلبی دهقان ، شیرک دهقان ، کاکاشیروی دهقان ، میرکی دهقان و غیره را نوشته است من بارو دروایی به گفته ایرانیها نوشتم که باز بگویم پالیسی هارا رازیر پای قلم نکرده باشم. اقبال نشر پیدا کند خوانندگان محترم این قلم، اگر این نوشته طنزی به فکر شما جدی نوشته شده باشد به ایمیل بنویسد مزاحم سایت ها و گردانندگان سایتها نگردید حالا من به کوک خود رسیده ام چیزی می نویسم که نه خودم مفهومی از نوشته بگیرم نه خواننده و نه مسؤولین سایت های ناشر. حالا گنگ نویسی را پیشه کرده ام تیشه قلم به ریشه سخن می زنم این را می گویند: باکون توبه کشیدن

چنان بنویس که هیچ کون نداند بخواند و بخواند ولی چیزی نداند
شتک او زند در وقت خواندن چنان خری که در گل بند بماند
حجرالنسر